

درباره‌ی: فرمایش علی علیه السلام در مورد حرف حق ولی نیت و اراده‌ی باطل، خزانه‌ی خدا فقط رحمت است، آشکار بودن اساس عرفان و تصوف، در مورد مضرات دشمنی‌ها و محاسن دوستی و مهربانی، ناسزا نگویند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

واقع‌ی مهمی که تمام مردم دنیای آن روز و همین‌طور تا روز قیامت به آن توجه دارند، ظهور اسلام است و بعد از ظهور اسلام تبعاتی که پیدا شد، وقایعی بود که خیلی مؤثر بود. البته می‌دانید اسلام در عربستان ظهور کرد. یک وجود به اصطلاح غیر مادی نبود، یعنی تخیلی نبود، وجود داشت. این وجود، یعنی اسلام را باید انسان‌هایی که به خودشان می‌گویند ما مسلمانی، نگاه‌دارند. آخر ما کدام مسلمانی را قبول کنیم؟ داستان‌هایی که از معاویه هست، برای اینکه خلاصه بشود شرح نمی‌دهم خودتان فکر کنید. مثل حجاج بن یوسف، اینقدر مسلمان‌هایی را کشت، یکی‌اش به نظرم سعید بن جبیر که از صحابه‌ی خاص پیغمبر و مرد بزرگواری بود، به نظر او را هم حجاج کشت. اعتقادش را هم تا می‌گفتند، می‌گفت امیرالمؤمنین گفته، خلیفه گفته، و این شخص دشمن با خلیفه بود. می‌گفتند آقا! خلیفه اینجا بیخود گفته، تو هم خودت مثلاً مجتهدی، باید فکر کنی و در این موضوع امر خلیفه را اطاعت نکنی، قرآن این‌طور گفته است. می‌گوید قرآن با بیان خلیفه‌الفلان دیگر اثر ندارد! یعنی می‌گوید اطاعت امر خلیفه که ولی مملکت است، واجب است و ما به قرآن کاری نداریم! همین حرفی که «به قرآن کار نداریم»، یک خرده بزرگ شد و شاخ و برگ پیدا کرد. قشون معاویه یک وقت فهمیدند که به قرآن کار ندارند ولی الان دارد قرآن آنها را می‌کشد. بنابراین بهتر این است، حالا به قرآن کار داشته باشند. گفتند که بیابید همه دور و بر این قرآن جمع بشویم. از این حرف منطقی‌تری بود و هست؟ نه، گفتند که همه‌ی ما تابع این قرآنیم که گذاشتیم بالای نوزه، کجای این حرف عیب دارد؟ خود حرف عیبی ندارد، گوینده عیب دارد. از همین موارد بود که فرمایش علی علیه السلام، ضرب‌المثل هم شد کَلِمَةُ حَقٍّ يَرَاذُ بِهَا الْبَاطِلُ، کلمه‌ی حقیقی است، حرف حقیقی است که می‌زنند، ولی نیتشان نیت باطل است، اراده‌شان اراده‌ی باطل است. این یک اسلام. یک اسلام آنوقت، اسلام علی علیه السلام. دیگر نمی‌گویم خودتان می‌دانید، دانستن هم کافی نیست، احساس کردن کافی است. سعی کنیم ان شاء الله اسلام علی را احساس کنیم. اسلام معاویه را که می‌دانیم، می‌بینیم، می‌گوییم. اسلام علی را احساس کنیم. ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه سوم جمادی الثانی ۱۴۳۳ قمری، مصادف با شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، مطابق با ۱۳۹۱/۲/۶ شمسی، جلسه برادران ایمانی)

خواجه عبدالله می‌گوید: الهی اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است. شما مثلاً در گلستانی که خودتان درست کردید راه می‌روید، کاسنی هم بیشتر ریشه‌ای بیابانی است، اگر کاسنی بود نمی‌گویند چون این تلخ است اصلاً آب تلخ به او بدهیم، نه! آن منبع آب یک رقم آب دارد. خزانه‌ی

خدا فقط رحمت است اما می گوید شما این را هدر ندهید اگر هدر بدهید، مجازات آن نبودن این است. وقتی رحمت الهی نباشد مجازات است. نه اینکه اصلاً مجازات نمی خواهد، این مجازات است. این کاسنی را که شما می گوید اگر هم تلخ باشد بالاخره در باغ توست. اما خداوند که این تفضل را به ما کرده و یک وسعت روزی و فکر به ما داده است، به اعمال ما توجه دارد، تا یک حدی خودش از کار خطا جلوگیری می کند یا راهنمایی می کند چه کار کنیم، حتی در یک مجلس نشسته اند ده بیست نفر که همه هم را می شناسند، معتقد هستند، اشکالی ندارد گاهی اگر اشکالی پیش بیاید خدا حتی به این هم توجه دارد. همانطوری که شما به فرزندان توجه می کنید و می گوید: اینجا بنشین، آنجا ننشین، این کار را نکن.

در آیهی قرآن هم هست که وقتی پیغمبر می فرماید: جا بدهید وسعت بدهید، وسعت بدهید که خداوند هم در آن دنیا به شما وسعت بدهد. البته این چون خطاب به مؤمنین است همه را مؤمن حساب می کند اینجا ما یک خرده آرام می شویم و گرنه این نباشد، ما با این همه بار ناراحتی، مسئولیت چطوری می خواهیم برویم؟ و آن موقع گرفتاری هست، آن موقع خدا می گوید تو برو پی کارت نوبت تو تمام شده دیگر، برو من همه ی کارها را می کنم. این است که هیچوقت ناامید نباشید یا به خودتان خیلی نظر نکنید که من خیلی دیگر به مفت نمی ارم، نه! به مفت می ارزی. (آخر خیلی ها می گویند به مفت نمی ارزیم). فکر کنید که خداوند می گوید: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء، ۷۰)، بنی آدم را گرامی داشتیم. نمی گوید مؤمنین را، می گوید بنی آدم را گرامی داشتیم بنابراین فکر کنیم همه ی ما بنی آدمی هستیم و یک آدمی ما را به دنیا آورده و خداوند وعده کرده یا گفته به عنوان قصه که ما بنی آدم را گرامی داشتیم. خدایا تو خودت ما را گرامی داشتی ما هم آخر بنی آدم هستیم. این است که حد اعتدال در همه ی جهات و روایات توصیه شده است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی،

صبح جمعه ۱۳۹۱/۲/۸)

اساس عرفان و تصوف بر آشکار بودن است. جز ذکر و دستوراتی که مستقیم به رابطه ی شخص با مرکز وجود و خداوند است که آنجا هم حتی بر خودش مخفی است. کما اینکه این بحث هم هست در بین علاقه مندان عرفان نظری که اولیاء خدا، مقام خودشان را می دانند یا نه؟ اکثراً می گویند نمی دانند، برای اینکه اگر بدانند اولاً دچار اشتباه می شوند، ممکن است یا مغرور بشوند یا از آن طرف گمراه بشوند، البته خیلی ها هم می گویند می دانند. منتها امروز یک طوری شده که دشمنان تصوف، آنچه مخفی است که همین رابطه ی انسان است با خداوند، تجلی ظاهرش یعنی ذکر قلبی ای است که دارد، آنی که مخفی است را می خواهند درآورند که

چی هست؟ یک مقداریش فضولی است... حالا ما سجده می کنیم. به شما چه؟ به دیگران چه؟ مربوط است به نحوه ی ارتباط شخص با خداوند. در این مورد که مخفی است، می خواهند مخفی را آشکار کنند و در مورد چیزهایی که آشکار است، خودشان یک پرده رویش می اندازند که بگویند مخفی است. تصوف یا عرفان های حقه یا آنهایی که بویی به اصطلاح از اسلام بردند، گفتند دستورات شریعت را باید اجرا کرد. حالا دستورات شریعت، واجبات و محرّمات را که حتماً باید اجرا کرد، مستحبات و مکروهات را کسی انجام داد یا نداد، به دیگران ربطی ندارد، اینها را می خواهند بگویند محرمانه. می گویند مجلس درویشی، محرمانه است، معلوم نیست اینها چه کار می کنند؟ این مجلس درویشی. بیایید بایستید، نمی توانید بایستید باید بنشینید، به هر کسی بگویند آقا من نمی توانم بایستم، جایی به من بده، جایش را به شما می دهد. بنشینید خودتان ببینید. (برگرفته از

گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ۱۳۹۱/۲/۹، جلسه برادران ایمانی)

خداوند مظهر بشریت یعنی حضرت آدم را خلق کرد و در بهشت نگه داشت و تا وقتی امر خدا را اطاعت کرده بود در بهشت بود، بعد که امر خدا را نقض کرد در یک جا تخلف کرد. وقتی هم به کره ی زمین آمدند، خداوند گفت: این کره ای که شما می بینید به آنجا بروید، در واقع به آنجا تبعیدتان کردم ولی چون همیشه فکر می کنم شما متوجه خطایتان می شوید و توبه می کنید برای شما یک واسطه قرار دادم و آن ارتباطی است که بین من و شما برقرار خواهد بود یک رشته ای، نه اینکه یک طناب، رشته ای معنوی، رشته ای در بین شما می گذارم هر که به آن رشته توسل بجوید پیش من همینجا باز برمی گردد، به این طریق به کره ی زمین فرستاد، البته دشمنش را هم فرستاد یعنی هم آدم را فرستاد و هم شیطان، ابلیس را. نه آدم دشمن حوا بود نه حوا دشمن آدم، ولی هر دوی آنها مورد دشمنی شیطان. این وضعیت همیشه هست الان هم بشر از بیرون خودش دشمنی ندارد هر چه هست از خودش است، بمب اختراع می کند با هم جنگ می کنند برای اینکه یک عده ای از بین بروند ولی نه عده ای از دوستان خودش، عده ای از آنهایی که خودش خیال می کند دشمن هستند و حال آنکه خدا دشمنی نیافریده است شاید مثلاً همین مینا که در ذهن ما هست همین مینای وصف عرفان است و تصوف، یعنی ما برگردیم به آن رشته ای که خداوند فرستاده متوسل بشویم و هیچ صحبت دشمنی و حتی دوستی هم نکنیم همه ی حواسمان در همان باشد.

ما در داخل خانواده یعنی خانواده ی فقر و درویشی یا بهر حال خانواده ای، سعی کنیم از این دشمنی ها نباشد برای اینکه این دشمنی ها بین هر دو نفری باشد هر دو را از بین می برد. به قول حافظ که می گوید:

<p>بند نهم از بیانیی نوروز ۱۳۸۹ تاریخ: هفته اول فروردین ۱۳۸۹ شمسی</p>	<p>در دید و باز دیدها و روابط خانوادگی و معاشرت ها، نکته ی مهم رعایت محرم و نامحرمی و حجاب خانها که زینت بخش آنان و موجب عفت فرد و جامعه است، رعایت گردد و مصافحه با نامحرم حتی با حایل هم صحیح نیست و از مجالس مختلط آن هم با بی بندوباری که ناهنجاری های اخلاقی و مفاسد زیادی دارد، خودداری شده مخصوصاً در این گونه موارد حیثیت فقر و سلسله را توجه نمایند.</p>	<p>۱۲۱ یادآوری قسمتی از بیانیی های حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علی شاه)</p>
---	---	---

درخت دشمنی برکن که رنج بیشمار آرد نهال دوستی بنشان که فردامان به کار آید

بنابراین در مورد دوستی و مهربانی به هم، اینکه گفته‌اند مثلاً سلام و علیک عمر را زیاد می‌کند یعنی این مثل اعلام دوستی است، دوستی عمر را زیاد می‌کند و دشمنی عمر را کم می‌کند، این است که خدا دستور می‌دهد یعنی بزرگان نصیحت می‌کنند دشمنی نکنید، دشمنی‌های بی‌جایی هم که نسبت به شما می‌شود ندیده بگیرید. در واقع اینکه عمرمان زیاد می‌شود جهتش این است که آرامشی در درون خودمان ایجاد می‌کنیم که آن آرامش، سلامتی به ما ارزانی می‌دهد. حالا ان شاءالله همه با هم مهربان باشیم. حضرت جعفر صادق فرمودند که هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟ آیا دین غیر از حب، چیز دیگری است؟ اینقدر توصیه کردند. البته وقتی دشمن می‌خواهد با ما دوست بشود، بشود چه بهتر ولی اظهار دوستی می‌کند گول نخورید فقط همین، اما به سمت دوستی بشتابیم. ان شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ۱۳۹۱/۲/۹)

جلسه خواهران ایمانی

می‌فرماید: وَلَا تَتَّبِعُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام، ۱۰۸)، می‌فرماید: ناسزا نگوئید. به آن کسی که حتی غیر از خدا را می‌پرستد یعنی به بت‌پرستان، چون او هم در جواب شما ناسزا خواهد گفت به خدا که شما می‌پرستید و حال آنکه هیچ علمی ندارد به اینکه وجود خدا چه هست، چطوری هست. بنابراین به هیچکس ناسزا نگوئید. این البته دستورالعمل خیلی ساده‌ای است ولی در آن معانی بسیاری نهفته است. یک روزی ممکن است همان شخصی که غیر خدا را می‌پرستد، متوجه شود که اشتباه کرده، اشتباه خود را اصلاح کند، توبه کند در آن صورت شما را ببیند یا نبیند در دل او خیلی باعث ناراحتی است. به جای سب و به جای ناسزا گفتن به دیگران، با استدلالِ وَجَادِئُهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل، ۱۲۵)، به بهترین نحوی با آنها مجادله کنید. حالا متأسفانه در عالم سیاست که امروز خیلی متداول شده همین ناسزا و فحش دادن از چیزهایی هست که خیلی متداول است؛ این به آن فحش می‌دهد او به این. البته از قدیم مثلی گفته‌اند که النَّاسِ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ، عادت و رسم مردم، مثل عادت و رسم بزرگان قوم آنهاست؛ یعنی حکومت، آنهایی که قدرت دارند از اینها سرایت کرده، در مردم عادی هم امروز مردم عصبانی هستند و به جای هرگونه استدلالی فحش می‌دهند. ولی ما متوجه باشیم با توجه به این آیه‌ی قرآن، آن را عمل کنیم که زندگی عادی ما را رونق می‌دهد، آرام می‌کند. البته زندگی عادی ما که آرام باشد، انسان مجال پیدا می‌کند هم از لحاظ علم و دانش جلو برود و هم خودش راحت باشد.

(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یکشنبه ۱۳۹۱/۲/۱۰)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تائنده (مجدوب علیشاه) شامل جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه نذول / شرح فریاشات حضرت سجاد (ع) / شرح رساله حقوق / شرح فریاشات حضرت صادق (ع) / تفسیر مصباح الشریعه و منقح الحقیقه / جزوات موضوعی (استحاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات) / کتابت عرفانی (مجموعه‌ی پنج بر نامه) / مجموعه دست‌ورالعمل‌ها و بیانه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی صحابه) / منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.